

پول



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

طلا در اختیار دارنده اسکناس قرار دهد. منظور اصلی از این روش، تجدید تقاضای تبدیل اسکناس به طلاست، زیرا در روش نخست (تبدیل اسکناس به طلا) هر آن انتظار می‌رفت که دارنده اسکناس، اسکناس خود را - هر چند معادل یک سکه - به بانک ارایه دهد و آن را به سکه طلا تبدیل کند، ولی در روش تبدیل به شمش طلا این احتمال ضعیف‌تر است، زیرا تبدیل شمش در برابر مقدار زیادی اسکناس صورت می‌پذیرد، یعنی میزان اسکناس باید حداقل معادل دوازده کیلو طلای شمش باشد که در واقع، روشی است آریستوکراتیک، زیرا در این حالت، قابلیت تبدیل اسکناس به شمش طلا فقط برای عده خاصی امکان‌پذیر است. در این

طلا در اختیار دارنده اسکناس قرار دهد. این روش، روشی است کاملاً دموکراتیک که براساس آن می‌توان هر واحد پول کاغذی را معادل ارزش طلای آن با سکه طلا معاوضه کرد. البته باید توجه داشت که به علت توسعه انتشار اسکناس و افزایش حجم پول در گردش، این روش در اجرا با مشکلات کمبود ذخیره سکه طلا روبرو می‌شد و به همین جهت، این روش به تدریج جای خود را به روش تبدیل اسکناس به شمش طلا داد.

ب- روش تبدیل اسکناس به شمش طلا: این روش، روشی است که طبق آن، بانک ناشر اسکناس متعهد می‌شود که در ازای انتشار اسکناس، هر آن در مقابل ارایه اسکناس، شمش

در ادامه بررسی چگونگی تولد و تکامل تاریخی پول، از عصر سکه‌های فلزی گذشتیم و به عصر اسکناس رسیدیم و بعد از ذکر تعریف و تاریخچه اسکناس، به کیفیت و شرایط و مقررات انتشار اسکناس پرداختیم.

اینک، ادامه بحث درباره انواع اسکناس، ارزش و پشتوانه پول را ملاحظه می‌فرمایید.

روش‌های تبدیل اسکناس به طلا

الف- روش تبدیل اسکناس به سکه طلا: این روش، روشی است بسیار قدیمی و در ابتدای اختراع اسکناس عمل می‌شد، یعنی بانک ناشر اسکناس در ازای انتشار اسکناس متعهد بود که هر آن در مقابل ارایه اسکناس منتشره، سکه

ارزش پول

ارزش پول به صورت فایده قدرت خرید آن از نظر تهیه کالاها و خدمات مورد احتیاج افراد است که از دو نظر اهمیت دارد: ارزش داخلی و ارزش خارجی. در تعیین ارزش داخلی پول، سطح عمومی قیمت‌ها را باید در نظر گرفت، زیرا ارزش پول به نسبت معکوس با سطح عمومی قیمت‌ها ارتباط دارد. به عبارت دیگر، اگر قیمت‌ها ترقی کند، ارزش پول پایین می‌آید و اگر قیمت‌ها تنزل کند، ارزش پول بالا می‌رود. در این صورت، در تعیین ارزش پول از یک سو عرضه و تقاضای پول و از سوی دیگر، عرضه و تقاضای کالاها و خدمات دخالت دارند. تغییرات عرضه و تقاضای پول مسأله‌ای پولی است و بستگی به حجم پول در گردش دارد و تغییرات عرضه و تقاضای کالاها و خدمات مسأله‌ای اقتصادی است و بستگی به میزان کالا و خدمات جامعه دارد، لذا از یک طرف، حجم پول در گردش و از طرف دیگر، حجم کالاها و خدمات با یکدیگر مقایسه شده و ارزش پول بدین وسیله تعیین می‌شود.

نوسانات ارزش پول تنها از طریق حجم پول در گردش نیست، بلکه تغییرات حجم پول هم یکی از شرایط تغییرات ارزش پول است و شرایط دیگر از طریق تغییرات عرضه و تقاضای کالاها و خدمات در جامعه تحقق می‌یابد. در واقع، در اقتصاد امروز، پشتوانه در ثابت نگه داشتن ارزش پول نقش مؤثری ندارد، یعنی اگر گردش پول را در مواقع عادی تحولات وضع اقتصادی در نظر بگیریم، در این مواقع، اسکناس در گردش، ارزش داخلی خود را از نظر قدرت خرید ثابت حفظ می‌کند و پشتوانه تنها اثر روحی دارد. حال اگر وضع اقتصادی عادی نباشد و کشوری با جنگ و مخارج نظامی حاصل از آن و انقلاب و بحران‌های اقتصادی مواجه باشد، در این صورت، دولت‌ها همیشه بدون توجه به نسبت پشتوانه مجبور بوده‌اند - حتی گاهی چند برابر حجم اسکناس در گردش - اسکناس منتشر کنند و در این مواقع، پشتوانه نیز نمی‌تواند در تحدید حدود میزان اسکناس منتشره نقشی داشته باشد.

ارزش خارجی اسکناس از مقایسه نسبت طلای آن به طلای اسکناس‌های خارجی به دست می‌آید. در واقع، اگر اسکناس داخلی کشوری را با اسکناس‌های منتشره در کشور خارجی مقایسه کنیم، فقط می‌توان از طریق

هماهنگ ساخت.

البته باید توجه داشت که حدود قابلیت پرداخت اسکناس غیرقابل تبدیل به طلا، مربوط به داد و ستدهایی است که در داخل کشور صورت می‌گیرند، زیرا در پرداخت‌هایی که ناشی از داد و ستد با خارج از کشور است، اسکناس غیرقابل تبدیل به طلا به عنوان وسیله پرداخت، اهمیت پرداخت خود را به نفع طلا یا ارز قابل تبدیل به طلا از دست می‌دهد. در واقع، در این نوع پرداخت‌ها، فقط طلا و ارز قابل تبدیل به طلا است که نقش تأدیه ارزش و پرداخت را در داد و ستد به عهده دارد. بنابراین، در داد و ستدهای خارجی، طلا اهمیت و مقامی را که در قرن نوزدهم داشته تا حدودی حفظ کرده است، بدین معنی که در پرداخت‌های بین‌المللی طلا پایه و معیار پرداخت می‌باشد. عده‌ای معتقدند که اگر پول وسیله حفظ و

● در اقتصاد امروز، پشتوانه در ثابت نگه داشتن ارزش پول نقش مؤثری ندارد.

● در نظریه‌های جدید پولی، اسکناس غیرقابل تبدیل به طلاست.

نگاهداری ارزش‌های اقتصادی تلقی نشود، باید خود دارای ارزش باشد. بنابراین، صرفه در این نیست که پس‌اندازکنندگان، ارزش‌های اقتصادی را از طریق پول کاغذی که فاقد قابلیت تبدیل به طلا است، به صورت پس‌انداز حفظ و نگاهداری کنند، زیرا با تنزیل ارزش پول کاغذی، هر روز ممکن است که پس‌اندازکنندگان مقداری از پس‌انداز خود را از دست بدهند، در صورتی که اگر ارزش‌های اقتصادی به اشیا یا که ذاتاً خود دارای ارزش هستند، تبدیل شوند، احتمال تنزل ارزش پس‌انداز از بین می‌رود. اما باید به این نکته هم توجه داشت که تنزل ارزش پول معلول جنگ و بحران و انقلابات بوده است، نه علت آن. در این صورت، وقتی وقایعی در کشوری روی داده است، برای مواجهه با آن وقایع، دولت متوسل به عکس‌المعمل‌هایی می‌شود که این عکس‌المعمل‌ها بالاخره تنزل ارزش پول را به همراه دارد.

روش، پشتوانه اسکناس بیشتر مصون بوده و کمتر در معرض تقاضای تبدیل رایبه کنندگان اسکناس است.

پ- روش تبدیل اسکناس به ارز: این روش، روشی است که طبق آن، بانک ناشر اسکناس در مقابل رایبه اسکناس، ارز قابل تبدیل به طلا، یعنی اسکناس خارجی قابل تبدیل به طلا را باید تسلیم کند. این روش، اقتباس از روشی است که طلا، نقش ارز قابل تبدیل به طلا را به عهده داشت. در این روش، ارز قابل تبدیل به طلا فقط لیره انگلیسی و دلار بود، ولی بعد لیره انگلیسی به علت مشکلات پولی انگلستان در سال ۱۹۳۱ غیرقابل تبدیل به طلا اعلام شد و در سال ۱۹۳۳ آمریکا به علت مشکلات پولی، عدم قابلیت تبدیل دلار را به طلا اعلام کرد. بنابراین، در سیستم پایه ارز نیز اصل قابلیت تبدیل اسکناس به ارز با مشکلاتی روبرو بوده است.

اسکناس غیرقابل تبدیل به طلا

در نظریه‌های جدید پولی، اسکناس غیرقابل تبدیل به طلا است و هر چند به وسیله بانک ناشر به صورت واحد منتشر می‌شود، ولی بانک فوق زیر نظر دولت است و سیاست انتشار اسکناس هم با نظر دولت تعیین می‌شود.

اسکناس در اقتصاد جدید دارای همان وظایفی است که پول طلا در قرن نوزدهم داشت، اما در آن قرن اسکناس و پول طلا با هم این وظایف را به عهده داشتند، ولی امروزه پول طلا جای خود را به اسکناس واگذار کرده و پول اصلی همان اسکناس است.

اسکناس امروز وسیله اصلی پرداخت است و در پرداخت‌های داخلی، اسکناس نقش اول را به عهده دارد، زیرا هر گونه نقل و انتقال ارزش با اسکناس سنجش و پرداخت می‌شود. در سیستم پول طلا، کشورها در پرداخت‌های داخلی خود گاه با ازدیاد پول و زمانی با کمبود طلا و عدم وسایل پرداخت مواجه هستند، اما اگر پول کاغذی به صورت اسکناس غیرقابل تبدیل به طلا را در نظر بگیریم، در انتشار آن مشکلات ناشی از ازدیاد و کمبود فلز به کلی منتفی می‌شود، زیرا افزایش و کاهش حجم پول (اسکناس) در گردش به میل و دلخواه بشر است. در مواقع احتیاج هم از طریق به جریان گذاشتن اسکناس جدید یا از جریان خارج کردن اسکناس زاید، می‌توان همیشه حجم اسکناس در گردش را با امکانات جامعه از نظر فعالیت‌های اقتصادی

تطبیق نسبت قانونی طلای اسکناس داخلی با اسکناس‌های خارجی به ارزش خارجی اسکناس پی برد. و تنها از نظر حفظ ارزش خارجی اسکناس است که پشتوانه می‌تواند نقشی را به عهده بگیرد و از نظر مبادلات بین‌المللی است که با میزان طلا و ارز پشتوانه آن می‌توان عرضه و تقاضای پول داخلی را نسبت به پول‌های خارجی تثبیت کرد.

در بیشتر کشورها قسمت اعظم طلا و ارز پشتوانه به صندوق برابری ارز^(۱) منتقل شده است و از این طریق، صندوق مزبور در تعیین ارزش پول‌های خارجی نسبت به پول داخلی نظارت می‌کند. در واقع، طلای پشتوانه و ارز، ارزش پول داخلی را نسبت به پول‌های خارجی تثبیت می‌کند.

نظارت دولت در انتشار پول - چه از نظر تعیین ارزش آن و چه از نظر حد انتشار - اعمال می‌شود. ارزش پول و میزان انتشار تنها مسأله پولی نیست، بلکه سیاست پولی خود امروز یکی از مسایلی مهم اقتصادی است که به موازات سیاست بودجه‌ای و مالیاتی و بازرگانی خارجی و سایر سیاست‌های اقتصادی و مالی در تأمین توسعه اقتصادی و ایجاد رشد هماهنگ، مورد استفاده دولت‌ها قرار می‌گیرد. سیاست پولی را که نقش اصلی در هدایت و ارشاد اقتصادی جامعه دارد، نمی‌توان به یک بانک خصوصی واگذار کرد که به میزان ذخیره طلا، اسکناس منتشر کند و ارزش واحد پول را براساس ارزش قانونی طلا تعیین کند. امروزه بانک‌های ناشر اسکناس اغلب ملی شده‌اند تا دولت بتواند از طریق نظارت مستقیم، سیاست پولی کشور را منحصراً به عهده گیرد.

پشتوانه

پشتوانه، مقدار طلا و نقره یا ارز خارجی است که بانک ناشر اسکناس باید در موقع صدور اسکناس به صورت اندوخته یا ذخیره داشته باشد. نسبت بین پشتوانه و اسکناسی که منتشر می‌شود، اغلب به وسیله قانون معین می‌شود و گاهی نیز هیأت مدیره بانک ناشر اسکناس این حق را داراست. امروز در اغلب کشورها تبدیل اسکناس به طلا یا نقره میسر نیست و فقط در موقع معامله با خارج‌جه ممکن است بانک‌ها مجبور باشند که از فلزات قیمتی برای تأدیبه دین استفاده کنند.

تا وقتی که اسکناس اختراع نشده بود، صحبت از پشتوانه لزومی نداشت، اما از همان

زمان قدیم که اسکناس کم یا بیش رایج شد، پشتوانه آن نیز مطرح گردید. قبل از این که اسکناس به صورت تنها پول کشورهای جهان درآید، توأم با پول‌های فلزی - اعم از طلا و نقره - جریان معاملات را تأمین می‌کرد، ولی از همان دوران نیز علمای اقتصاد از ترس این که دولت یا بانک‌های ناشر اسکناس از حق خود سوءاستفاده کرده و زاید بر میزان احتیاج اسکناس در جریان بگذارند، مقداری از پشتوانه فلزی برای آن تعیین کردند، و این ترس زیاد بی‌مورد هم نبود، چرا که هر وقت دولت‌ها احتیاج پیدا می‌کردند، متوسل به انتشار اسکناس می‌شدند. مثلاً در اوایل قرن نوزدهم، دولت انگلیس به اندازه‌ای اسکناس در جریان گذاشت

● ارزش خسار جسی اسکناس از طریق مقایسه نسبت طلای آن به طلای اسکناس‌های خارجی به دست می‌آید.

● در داد و ستدهای خارجی طلا اهمیت و مقام قرن نوزدهم خود را تا حدودی حفظ کرده و در این گونه پرداخت‌ها طلا همچنان پایه و معیار پرداخت می‌باشد.

که ارزش آن به طور فاحشی تنزل کرد و ریکاردو، اقتصاددان انگلیسی پیشنهاد داد که دولت انگلیس به تدریج از مقدار اسکناس‌های منتشره بکاهد تا هر اسکناس نماینده مقدار پشتوانه‌ای باشد که در خزانه بانک برای آن موجود است. اما این پشتوانه برای ارزش دادن به مسأله اسکناس نبود، بلکه فقط برای این بود که بانک یا دولت تا اندازه معینی اسکناس صادر کند.

به طور کلی، پشتوانه حاصل دسترنج و کار افراد کشور است. برای اثبات این موضوع فرض کنیم که در کشور خودمان هر چه طلا داریم، از خزانه بانک خارج شود. در این صورت، از نظر داخلی و خارجی چه وضعی خواهیم داشت؟ از نظر داخلی، نبودن این فلزات در خزانه بانک، به شرط این که قواعد اقتصادی راجع به مقدار پول رعایت شود، در وضع اسکناس‌های ما تأثیری نخواهد داشت، یعنی اسکناس‌ها دست به دست خواهند گشت و معاملات انجام خواهد گرفت.

اما از نظر خارجی، یا اسکناس‌های ما به اعتبار قدرت اقتصادی و سیاسی کشور، مثل لیره و دلار و غیره قبول بین‌المللی دارد و به اصطلاح «جهانروا» است، یا این که باید در مقابل کالاهای وارداتی یا کالا صادر کنیم یا طلا بپردازیم. البته نمی‌توان فرض کرد که ما هر سال بتوانیم مقدار زیادی کالا از خارج وارد کنیم و در مقابل آن به گرفتن وام از صاحبان کالا، یا گرفتن اعتبار از بانک‌های آن‌ها متوسل شویم. شاید این عمل را بتوان در دو سال انجام داد، ولی در سال سوم مسلماً باید معامله را تصفیه کرد، و تصفیه معامله هم یا به وسیله پول به عمل خواهد آمد یا به وسیله فروش کالا. حال، فرض کنیم که ریال مثل دلار و لیره مورد قبول طلبکاران خارجی ما قرار گیرد، در این صورت، ما می‌توانیم معاملات خارجی خود را اگر نتوانستیم کالا صادر کنیم، مستقیماً با پول کشور خودمان بپردازیم. اما اگر این عمل ادامه پیدا کرد و هر ساله مقداری پول را به خارج فرستادیم، اگر بر مقدار اسکناس اضافه نکنیم، معاملات داخلی مان انجام نخواهد گرفت.

در ضمن، طلبکاران خارجی هم پول ما را به این اعتبار می‌پذیرند که بتوانند با آن کالا بخرند و اگر نبودن کالا تا مدتی ادامه پیدا کرد، وضعیت پول ما در خارج تنزل خواهد کرد و ما مجبوریم برای تکافوی ارزش، به مقدار آن بیفزاییم. از طرف دیگر، چون مقداری از پول در جریان داخل کشور به خارج فرستاده شده، بایستی یا همان مقدار یا زیادتر اسکناس چاپ کرد و در جریان گذاشت و این عمل هم تنزل ارزش آن را تشدید خواهد کرد. حال، فرض کنیم که در هر سال ۵۰ میلیون دلار اضافه صادرات داشته باشیم، اگر تجار ما ترجیح بدهند که از تجار کشورهای واردکننده فقط دلار مطالبه کنند، در ظرف مدت پنج سال، مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار به کشور ما وارد می‌شود و اگر کشور ترجیح بدهد که دلارها را تبدیل به طلا کند، می‌توانیم آن‌ها را پشتوانه پول خود قرار دهیم. اما چگونه کشور توانسته است این مقدار کالای اضافی را که پشتوانه پول ما قرار گرفته، تولید و صادر کند؟ با کار، سرمایه و طبیعت.

اسکناس از راه‌های مختلفی وارد جریان می‌شود:

- تبدیل پول فلزی یا ارز: وقتی بخواهیم مثلاً مقداری پول فلزی (یا ارز) را به اسکناس تبدیل کنیم، بانک مطابق همان مقدار اسکناس به ما تحویل می‌دهد.

فقط در تبریز ادای خواهد شد



PAYABLE AT TABRIZ ONLY

▲ نمونه‌ای از اسکناس‌های منتشر شده توسط بانک شاهنشاهی ایران.

مجبور است به اندازه کافی ذخیره ارزی در اختیار بگیرد و در بعضی از کشورها قسمتی از طلا و ارز پشتوانه به صندوقی به نام صندوق برابری ارز منتقل می‌شود. صندوق فوق‌الذکر وظیفه دارد که در مواقع ترقی نرخ ارز، با فروش ارز عرضه پول‌های خارجی را افزایش دهد تا از ترقی نامتناسب نرخ ارز جلوگیری به عمل آید و به عکس، در مواقع تنزل نامتناسب نرخ ارز اقدام به خرید ارز کند تا از تنزل نرخ ارز که از نظر بین‌المللی آثار نامطلوبی دارد، جلوگیری شود.

(۲) نوشته‌ای است که به موجب آن شخص به دیگری دستور می‌دهد که مبلغی به رویت یا به وعده در وجه یا به حواله کرد خودش یا شخص ثالث یا به حواله کرد او بپردازد.

(۳) اصطلاحاً به پولی می‌گویند که در صندوق اداره یا بنگاه می‌گذارند تا در هنگام لزوم به مصرف خرید چیزهای ضروری یا هزینه‌های فوری برسد. سابقاً به این پول اعتبار متحرک می‌گفتند.

اسکناس مکلف است تا حدود معینی به دولت به عنوان تنخواه گردان^(۳) اسکناس بپردازد و دولت در اوایل سال این مبلغ را برای پرداخت حقوق کارمندان و طلبکاران خود تخصیص می‌دهد و به این ترتیب، اسکناس به جریان می‌افتد، ولی دولت مکلف است تا آخر سال آن را مسترد دارد.

- بعضی مواقع نیز دولت در عسرت مالی قرار می‌گیرد و به وسیله تصویب‌نامه یا وضع قانون بانک را مجبور می‌کند که مبلغ معینی به او قرض بدهد، و بدین ترتیب، اسکناس وارد جریان می‌شود.

ادامه دارد

زیر نویس‌ها

(۱) برای اجرای سیاست کنترل ارز دولت

- تنزیل اسناد تجارتمی: فرض کنیم برات^(۲) یا سفته‌ای را از کسی در دست داریم که انقضای آن یک ماه دیگر است. اگر قبل از سررسید به این وجه احتیاج پیدا کنیم، می‌توانیم برات یا سفته را به بانک ببریم و وجه آن را تقاضا کنیم و در صورتی که تمکن مادی آن شخص مورد قبول بانک باشد، با کم کردن وجه مختصری از کل مبلغ، بانک وجه برات یا سفته را می‌پردازد و بدین ترتیب، مقداری اسکناس به جریان می‌افتد.

- اعتبارات بانکی: فرض کنیم بازرگانی به بانک مراجعه می‌کند و برای معاملات آینده خود تقاضا می‌کند که مقداری اعتبار در اختیار او بگذارند. بانک هم پس از رسیدگی وضع مادی و اخلاقی بازرگان، به عنوان اعتبار آن مبلغ را در حساب‌جاری او می‌گذارد و تاجر هم می‌تواند تا آخر مدت اعتبار از این مبلغ استفاده کند و بدین ترتیب، اسکناس وارد جریان معاملات می‌شود. - در بعضی از کشورها هم بانک ناشر